

هفتگی: درباره "انتخابات" ۱۸ خرداد، اطلاعیه حزب کمونیست کارگری ایران به سوت و کور بودن انتخابات و عدم استقبال مردم اشاره میکند، اما کل جناحهای رژیم و سازمانهای طرفدار رژیم به شرکت وسیع مردم و رای ۲۱ میلیونی خاتمی تاکید کرده اند. بنظر شما هدف این تبلیغات و بخصوص دلیل توافق جناح راست با آن چیست؟

منصور حکمت: اکنون دیگر همه اذعان میکنند که در صد بسیار بزرگی از مردم در این نمایش شرکت نکرده اند. جناحها و چهره های مختلف رژیم دارند درباره کاهش مشارکت مردم با هم جدل میکنند و گناه را به گردن یکدیگر می اندازند. تبلیغات روز اول حکومت و طرفدارانش کاملاً قابل انتظار بود. حال که خاتمی کاندید کل نظام بود، حماسه تراشی فقط میتوانست از طریق تقلب در آمار کل شرکت کنندگان دنبال شود. و همینکار را کردند. اپوزیسیون مردم را از شرکت بر حذر داشته بود، در نتیجه حکومت نفس شرکت مردم را شاخص مشروعیت خود خود اعلام کرد و در همین عدد هم تقلب کرد. واضح است که در یک کشور ۶۰ میلیونی چندین میلیون نفر حتما رای داده اند. جمعیت کشور به نسبت ۴ سال قبل ده درصد افزایش یافته است. بعلاوه ۵ تا شش میلیون ۱۵ ساله را برای بالا بردن آمار به صاحبان رای اضافه کردند، با اینحال با آمار خودشان قدر مطلق شرکت کنندگان میلیونها نفر کمتر از دوره قبل بوده است. بعلاوه ادعای اول مبنی بر شرکت وسیع مردم، که بعداً خودشان گفتند وسیع نبوده، از طرف هیچ منبع مستقلی تأیید نشد. پشت این اخبار فقط ایسنا و ایرنا بودند. معلوم نیست هجوم سی میلیون نفر در یک روز به خیابانها و حوزه های رای گیری را چگونه از انظار جهانیان مخفی کردند که بالاخره یک فیلم دو دقیقه ای از این مشارکت حماسی بدست سی ان ان رسید.

هفتگی: مردم در "انتخابات" ۲ خرداد ۷۶ وسیعاً شرکت کردند، چه فاکتورهائی در اوضاع سیاسی و نظر مردم عوض شده که اینبار چنین نشد؟

منصور حکمت: در دو کلمه، ناطق نوری. در پایان دوران رفسنجانی دورنمای یک دوره ۸-۴ ساله صدارت یک آخوند قشری دیگر و حکومت بلامنازع جناح خشکه مقدس را جلوی مردم گذاشتند. اما دوران تمکین مردم به پایان رسیده بود و نسل جدیدی پا به میدان مبارزه سیاسی و اجتماعی گذاشته بود. نافرمانی و اعتراض شروع شده بود. مردم متوجه شدند که در لیست کاندیداهایی که از فیلتر گذشته اند یک آخوند لپ قرمزی خوش خنده وجود دارد که کاندید دستگاه نیست. ناگهان شرکت در انتخابات و نقش بر آب کردن سناریوی انتخاباتی حکومت و جلوگیری از انتخاب ناطق نوری به یک قلمرو ابراز وجود سیاسی موثر مردم تبدیل شد. بنظر من خاتمی و خاتمیسم بر عمر حکومت اسلامی افزود. حرکت ۴ سال قبل مردم هم، همانطور که در این ۴ سال بسیاری فهمیدند، نادرست بود. نمیبایست در نمایش انتخاباتی حکومت شرکت کرد و حتی از سر مصالح تاکتیکی و دوره ای مهر مشروعیت روی هیچ جناح و شخصیتی از این رژیم زد. دود این به چشم خود مردم میرود و مبارزه

واقعی برای آزادی و رهایی را کند میکند- که کرد. میبایست در برابر کل حاکمیت بطور مستقل، توده ای و رادیکال قد علم کرد. اما بهرحال آن فرجه شبه قانونی برای چوب لای چرخ حکومت گذاشتن باعث شرکت چهار سال پیش مردم شد(البته آمار همان دوره را هم باید با تردید نگاه کرد). اینبار کاندید نظام معلوم بود. نتیجه انتخابات معلوم بود. مردم چیزی بدست نمی آوردند. در نتیجه فضای چهار سال قبل وجود نداشت.

هفتگی: انتخاب مجدد خاتمی چه تاثیری بر اختلاف و نزاع جناحهای حکومتی دارد؟

منصور حکمت: کل این "انتخابات" وقفه ای اداری در متن روندهای سیاسی قبلی بود. اگر خاتمی کاندید نمیشد، اکنون با شرایط فوق العاده متفاوتی روبرو میبودیم. اما معلوم بود اگر خاتمی کاندید بشود، این مراسم بجا آورده میشود و همه جناحها بعد از این تشریفات سر جای خودشان بر میگردند. این انتخابات چیزی را عوض نکرد. شاید روند ایجاد یک مرکز جدید متشکل از خاتمی ولایه های فوقانی دوم خرداد همراه با "عقلا" ی جناح راست را به زیان میلیتانتهای هردو جناح تحکیم کرده باشد. اما این روند هم قبل از انتخابات شروع شده بود. بنظر من حکومت اسلامی اکنون بطور جدی متوجه حضور یک توده ناراضی و سرنگونی طلب در صحنه سیاسی شده است و از آینده خود بیمناک است و مانورهایی را برای اجتناب از یک رویارویی زودرس با مردم در دستور دارد. عده زیادی خواه ناخواه به سمت مرکز میچرخند. بقاء حاکمیت مساله اصلی اینهاست و بنظر من عده بیشتری از سران حکومت، از جمله شاید حتی خامنه ای، دارند متقاعد میشوند که یک مرکز جدید که جلوی "افراط کاری" و بی ثبات سازی و شلوغکارهای دو طرف را بگیرد شانس بیشتری برای حفظ حکومت دارد.

هفتگی: یک هفته بعد از انتخاب خاتمی، در جریان اختلاف بین مجلس و شورای نگهبان بر سر حق تحقیق و تفحص مجلس بر صدا و سیما، خامنه ای اینبار طرف مجلس را گرفت و اجازه این حق را به مجلس دو خردادی داد. ارزیابی شما از این تصمیم خامنه ای و تاثیر آن روی اختلافات جناحها چیست؟

منصور حکمت: هنوز این اختیار را به مجلس نداده است. بلکه به مجمع تشخیص مصلحت و رفسنجانی اجازه داده است تا اگر خواستند مصوبه قبلی خود مبنی بر بی اختیاری مجلس در امر بازرسی را تغییر بدهند. اما همین قدر هم نشان همان روندی است که گفتم. خامنه ای میدانده که مقابله بدون انعطاف با بخشی از سران اصلی حکومت در جناح مخالف، نظام را بی ثبات و بحرانی میکند. بنظر من این آن نوع روشی است که نواندیشان و عقلای راست نزدیک به خامنه ای به او توصیه میکنند. درجه بیشتری رعایت مقررات بازی. اما راست هنوز در مجموع، بخصوص از مجرای شاهرودی و قوه قضائیه، کار خودش را میکند. این ملاحظت خامنه ای، که بدون آن فاتحه کاریر اصلاح طلبانه کروی خوانده میشد، یک چرخش سیاسی عظیم نیست. بیشتر مقطعی و موضعی است.

هفتگی: علیرغم اختلاف بر سر ارزیابی از نتیجه انتخابات، این نتیجه موجب مطرح شدن جدی تر بحث تغییر و بازسازی در هر دو جناح شده است. بنظر شما اولاً چرا این بحث مجددا مطرح شده، ثانیاً چه تغییراتی ممکن است در جناحها صورت بگیرد؟

منصور حکمت: بنظر من نکته کلیدی پیدایش یک مرکز جدید است. یک آرایش جدید از سران حکومت با درک مشترکی از ملزومات بقاء، مقررات بازی سیاسی و خط های قرمز. در حالیکه از یک طرف سرنگونی طلبی در میان مردم اوج میگیرد و از طرف دیگر جناحهای میلیتانت راست سران دوم خرداد را به کودتاگری و توطئه

نظامی متهم میکنند، عده بیشتری از سران رژیم دارند متقاعد میشوند که چاره کار رشد یک درک مشترک مرکز در میان سران اصلی حکومت است که بتواند افراطیون دو جناح را منزوی کند. خاتمی اساسا و ماهیتا همین است و همین را میخواهد. کروی همینطور. افرادی در جناح راست نیز حرکت به سمت این موضع را شروع کرده اند.

هفتگی: بزودی قرار است خاتمی کابینه اش را تشکیل دهد، درباره ترکیب جناحی کابینه جدید و تناسب آن با سیاست های آتی خاتمی نظرتان چیست؟

منصور حکمت: خاتمی خاتمی است. برنامه زیر و رو کننده ای برای کابینه ندارد. قایق را تکان نخواهد داد. فکر نمیکنم ترکیب جناحی کابینه با هلهله دوم خردادی ها مواجه بشود.

هفتگی: و بالاخره مردم، با تمام مشکلات و بی حقوقی هایشان، اکنون در مقابل رژیمی هستند که قبل از انتخابات بود. بنظر شما مردم چکار خواهند کرد و چکار باید بکنند، روند اوضاع سیاسی به چه سمتی خواهد رفت، و حزب کمونیست کارگری ایران برنامه اش چیست؟

منصور حکمت: بنظر من مردم سرنگونی میخواهند و سرنگون خواهند کرد. به این بر میگردم. اما بگذارید یک نکته مهم را برای روشن کردن متد و روش برخورد حزب کمونیست کارگری بگویم. شعار های ما، سیاستهای ما، برنامه ما، آرمانهای ما، از هیچ همه پرسی از مردم و جمع بندی آماری از اینکه "مردم چه میخواهند" استنتاج و استخراج نشده. اینها شعارها و آرمانها و سیاستهای ماست. بعنوان بخشی از مردم، بعنوان فعالین یک جنبش سیاسی و اجتماعی معین، بعنوان انسانهای معین. وظیفه کمونیستها و یک حزب کمونیستی اتفاقا این است که کاری کنند مردم در یک مقیاس وسیع اندیشه و روش و جهان نگرى موجودشان را، که تصویری از عقاید و جهان نگرى طبقات حاکم بر جامعه است، عوض کنند و به یک آزادیخواهی و برابری طلبی و رهاسازی اجتماعی و سیاسی کمونیستی بگردند. در نتیجه، اینکه مردم در هر مقطع "چه میخواهند" و "چه میگویند"، کوچکترین تاثیری بر اینکه "ما چه میگوئیم" و "ما چه میخواهیم" ندارد. عقاید و سیاستهای ما معدل خواستها و سیاستهای حاکم بر مردم نیست. عقاید ماست. حاصل تاریخ آزادیخواهی و انساندوستی و مبارزه برای رهایی در جامعه جهانی بشری است. حاصل نقد عقب ماندگی و ارتجاع فکری و سیاسی و اجتماعی است. حاصل تعمق در حقوق و شان آدمی است. بشارت یک دنیای بهتر است. با مردمی رها شده از فقر و بیحقوقی و جهل و خرافه. مدتی است که (بخصوص به همت دوم خردادی ها، چه حقوق بگیر و چه داوطلب، چه تبعیدی و چه داخل کشوری) باب شده است که با بحث "مردم نمیخواهند" به جنگ آزادیخواهی و چپ بیایند. "مردم سرنگونی نمیخواهند چرا دست بر نمیدارید؟" "مردم ما مذهبی هستند، دست بردارید"، "مردم پای صندوقها رفتند، دست بردارید". "مردم خاتمی را میخواهند، دست بردارید". بعضی تازه-پرفسورهای سفیه اپوزیسیون خاتمی چی حتی تئوری هم میفرمایند که "بورژوازی ایران سرنگونی نمیخواهد و در صدد تبدیل رژیم اسلامی به یک حکومت متعارف است، دست بردارید"، "بانک جهانی میخواهد به ایران وام بدهد، دست بردارید". "گلوبالیزاسیون شده، دست بردارید".

علت اینکه ما دست برنمیداریم، علت اینکه برای سرنگونی تلاش میکنیم، اینست که ما آزادیخواهیم. فعالین یک جنبش اجتماعی برای آزادی و برابری و رفاه و ارتقاء شان آدمها هستیم. ما حکومتهایی را که حقوق مدنی

شهروندان را نفی میکنند بزیر میکشیم، ما حکومت‌های مذهبی را بزیر میکشیم، ما رژیم‌هایی را که بر تبعیض، هرنوع تبعیض، مبتنی هستند بزیر میکشیم. ما حکومت‌های ضد زن را سرنگون میکنیم، ما رژیم‌هایی را که کارگر را به فقر و سکوت و بی تشکیلاتی محکوم کرده اند سرنگون میکنیم. حتی اگر این حکومتها مورد تأیید تمام قربانیانشان باشند. حتی اگر این حکومتها "متعارف"، با ثبات، بدون بحران و صاحب اعتبار در صندوق بین المللی پول باشند!

در نتیجه نه حمایت توده ای از هیتلر و خمینی و پینوشه جنبش ما را گیج میکند و نه حمایت بین المللی قدرتها از اسرائیل و آفریقای جنوبی دوران آپارتاید. امر ما مبارزه برای آزادی و برابری انسانهاست. هر قدر توده وسیع مردم بیشتر در تمکین به آراء و افکار ارتجاعی حاکم باشند، جنبش ما کوچک تر و خلاف جریان تر خواهد بود و وظایف سنگین تر و دشوار تری خواهد داشت.

اما واقعیات عملی امروز ایران بر حقیقت تاریخسازي تاکید میکند. آری، اگر ما رادیکال باشیم و مردم محافظه کار باشند، کار ما دشوار و پیروزی دور از دسترس است. دهسال قبل اوضاع اینطور بود. اما امروز حزب کمونیست کارگری نوک تیز یک رادیکالیسم عظیم توده ای در ایران است. علت موفقیت چشمگیر حزب کمونیست کارگری ایران در این سالهای اخیر اینست که مردم، بویژه نسل بعد از ۵۷، بطور روز افزونی به ضرورت بزیر کشیدن رژیم اسلامی و ایجاد یک جامعه آزادتر پی برده اند و حزب کمونیست کارگری را بعنوان پرچمدار این امر عظیم سیاسی و اجتماعی، بعنوان سخنگوی اصلی این آزادیخواهی و میلیتانسی در جامعه برسمیت میشناسند. مردم محروم ایران دارند وسیعا به موضع ما میگردند. اکنون ارتجاع خلاف جریان است. و ما نماینده اکثریت مردمیم. پیروزی ممکن و در دسترس است. این جوهر اوضاع سیاسی کنونی ایران است.

بنابراین برنامه ما روشن است. بسیج و سازماندهی کارگران، مردم آزادیخواه، در یک جنبش سیاسی عظیم برای سرنگونی رژیم اسلامی و ایجاد یک جمهوری سوسیالیستی. جمهوری اسلامی از نظر ما و از نظر مردم به انتهای خط خود رسیده و دوام آن میسر نیست. تحولات سیاسی مهمی در راه است. خیلی ساده، جنبش اعتراضی مردم علیه کلیت حکومت گسترش خواهد یافت. سازمانهای چپ و رادیکال و در راس همه حزب کمونیست کارگری در مرکز توجه مردم قرار میگیرند. جمهوری اسلامی به هر قیمت مقاومت خواهد کرد. اما مردم این مقاومت را در هم خواهند شکست. فشار مردم جناحهای حاکمیت را بیشتر به جان هم خواهد انداخت. توافقات دوره ای و تجدید آرایشهای محفلی در بالای حکومت دوام و خاصیت زیادی نخواهد داشت. قطعا بورژوازی ایران و قدرتهای جهانی تلاش میکنند چه با تعدیل رژیم اسلامی و چه با جایگزینی اش بدون دخالت مردم، ارکان حاکمیت طبقاتی خویش را دست نخورده نگاه دارند. اینکه عملا چه میشود کاملا بستگی به درجه نزدیکی سیاسی و عملی مردم با حزب ما دارد. این فرصت تاریخی فراهم شده است که در ایران تحولی سوسیالیستی و رهائیبخش صورت بگیرد. پیروزی ما یکی از حالات ممکن است. اما نیاز به هوشیاری و سخت کوشی بسیار دارد.